پرچم

ناشراندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (چهل ونهم) دوشنبه ۵حوت ۱۳۴۷ – ۲۴ فبر وری ۱۹۶۹

موږ باید په یاد ولرو

موږ باید په یاد ولرو چه مبارزی‌اوس زموږ د وړاندی ډیر نیږدی‌وظائف ټینی دی.ددی وظائفوسر ته‌رسول، دتوری ارتجاع‌ماتول اونښت کول دی چه دوباره یی سر راپورته کړیدی .

موږ باید په یادولرو چه‌له استبدادسره مبارزه په جلا جلا او متفرقه‌توگه، موږ ملی او اجتماعی آزادی‌بخښونکو هدفونوته نشی رسولای.

موږ باید په یاد ولرو چه ستره‌شخړه ترمخ ده. زموږ مخ ته ددښمن‌کلا په خپل ټول قوت ولاړه ده اوله‌هغه‌ځایه زموږ پرمخ باندی د دروغو تهمت او تفرقی له زهروړك غیشی‌را اوری اوتر ټولو له جنایت نه‌ډك‌دسائس زموږ پرضد جوړوی، ترڅوزموږ بهترین مبارزان له مینځه‌یوسی اونهضت له ما تی سره مخامخ‌کاندی .

موږ باید په یادولروچه داستبداددغه کلا اوددښمن ددسیسو دائره‌تسخیر کړو اوله‌مینځه‌یی یوسو .

موږ باید په یاد ولروچه هرکله‌دهیواد ټول وطنپال اوتر مختلونکی‌مبارز مترقی قوتونه په یوه استوار،کلك اوبا انضباط سیاسی سازمان‌کی چه په سازمانی، ایدیولوژی، سیاسی‌اورهبری لحاظ تړلی اویووی، سره‌راټول شی اوتل دافغانستان ژوندی،زړور اوپاك لمنی عناصرهغه ته‌جلب کړی اودافغانستان دخلکو دموکراتیك‌قوت مستحکم کاندی، په قطعی توگه‌به دافغانستان دخلکو پرضد توطئی‌خنثی شی‌اوداستبداد کلابه تسخیر شی. موږ باید په یاد ولروچه هغه‌وخت به دهیواد دملیونونو کار گرواوبزگرو خلکو پیاوړی‌متی‌پورته شی‌او داستبداد جغ به چه په زور او د سیسه سا تل کیږ ی ،نشت‌کاندی اوپه‌نتیجه کی‌به‌دفیوډالی‌ارتجاع‌سلطه اوداستعماراوامپریالیزم‌نفوذ له ټولنی نه محو شی او زموږ دگران وطن افغانستان دنوی اومترقی ټولنی دجوړولو لومړنی‌او جدی مانع به لری شی.

مخ په وړاندی د ضد استبداد،ضد ارتجاع اوضد امپریالیزم‌دزړوری جگړی تر پرچم لاندی !

ببرك كارمل

اعمال سیاه ضبط احوالات

افغانستان

یا « اداره مصونیت ملی (!) »

باردیگر مقامات حاکمهٔ‌افغانستان‌بعد از ما هها تا مل بخرج داد(!) و موش زائید . روز نامه های «اصلاح» و«انیس» و سایر نشرات‌حکومتی اعلان کردند که بعداز ین‌ریاست ضبط احوالات (سازمان جاسوسی و اطلاعاتی افغانستان) به‌نام اداره مصو نیت ملی (د ملی‌ساتنی اداره) نامیده خواهد شد .

اعمال سیاه گذشته دستگاه‌ضبط‌احوالات اظهر من‌الشمس است:

علی‌القاعده و قتیکه یك اقلیت‌ناچیز براکثریت‌عظیم‌ملت‌حکمروا ئی‌میکند و حا صل دسترنج خلق را تصاحب می‌نماید ، تشکیلاتی‌بمنظورسر کوبی اکثریت تاسیس می‌گردد.در حکومتهای استبدادی همیشه سازمان جاسوسی واستخبارا تی وپولیس مخفی هستهٔ مرکزی این‌تشکیلات است . در کشور ما دستگاه ضبط احوالات از جملهٔ‌چنین‌ساز مانهائیست که‌تاکنون‌ذکر نام آن درمیان‌خلق‌ترس‌ووحشت ایجادمیکند.

شاید روی همین واقعیت تلخ‌بودکه حکومت نباغلی اعتمادی خواست‌باتغییر نام ،پرده‌ئی روی جنا یا ت آن بکشد .

هیأت حاکمهٔ افغانستان طی چهار دههٔ اخیر پیوسته در پی آن بوده تا بسط جهنمی جاسوسی ومخبری ضد ملی و ضد خلقی را درافغانستان گسترش دهدازآنجمله دستگاه ضبط احوالات بمثابه‌نیرومند ترین سازمان جاسوسی و اطلاعاتی درافغانستان تشکیل گردید.

از آن هنگام تا امروز طی شش حکومت ، بهمان پیمانه‌ایکه در مصارف دولت‌به‌منظور رشداقتصادی وخدمات اجتماعی ،بخصوص‌درامور معارف و صحت عامه امساك بخرج داده شده ، در صرف بودجهٔ دولت برای امور جاسوسی ومخبری دستگاه ضبط احوالات و شبکهٔ پولیس مخفی واستخبارات سخاوت بعمل آمده است .

و حشت‌وخودسری سازمان‌ضبط‌احوالات رابخصوص ص آن هزا ران خانواده آزادیخواهان و زحمتکشان کشور بخوبی احساس میکنند که قربانی پنجالهای بیرحم این‌دستگاه گردیده اند . سلو لهای محبس دهمزنگ پراز چنین خاطرات‌سهمناك است ، شگفت انگیز ترآینکه نه‌تنها صدهانفر آزادیخواه ووطن‌پرست محکوم سر پنجهٔ اعمال خود سرانه ماموران ضبط احوالات وفراموش خانه‌های قرون وسطائی شده اند ، بلکه حتی وکلا ، تمام وزراء ، تمام متنفذین و زمامدارا ن کشور ، و به اصطلاح روشنفکرا ن خدمتگزار هیأت حاکمه نیز بـایـد دستگاه و حشتناك حساب میدادند وباید ازآن دستگاه تائید میشدندو به اصطلاح سند کلیرنس «تصفیه!» حاصل میکردند .

چندین حکومت پیهم افغانستان شبکهٔ جاسوسی و خبر چینی و فتنه انگیزی وسیعی درکشورایجاد نمود ودستگاه‌حاکمه رابه یك نظام جاسوسی ومخبری مبدل کر دا نید. از سالهاست که دستگاه جاسوسی و پولیسی‌حاکمهٔ‌افغانستان، ازیکسو به وسیلهٔ حبس وزجر آزاد مردان افغان واز سوی دیگربوسیلهٔ‌تهدید، تفتین ، تطمیع، شانتاژ ، فریب ، نیرنگ وجعل و ترور ، با نیرو های ملی ودموکراتیك ، مترقی ووطن پرست افغانستان در نبرد مخفی و علنی‌است .تاکنون این‌ضرب‌المثل که **«دیوارها موش‌دارد وموشها گوش»** زبان‌زد خلق محروم کشور ماست .

به تاسی از سنت قدیم دستگاه ضبط احوالات ودیگر سازما نهای خاص مخبری وجاسوسی... خبر –

(ص۲)

سلطانعلی کشتمند

مساعدت به صادر کنندگان

قره قل یا تقویه تاجران بزرگ دلال

در هفتهٔ گذشته مطبوعات حکومتی بحیث یك خبر عمدهٔ روز و موضوع مهم‌اطلاع دادند که‌براساس فیصله حکومت «ماحصل دالر فروش پوست قره‌قل که به ملاحظه اسناد گمر کی سر ازاول‌حمل ۱۳۴۸ صادرمیشود، به اساس نرخ رسمی چهل‌و پنج افغانی فی دالر سنجش وبا ایزاد مبلغ‌بیست‌افغانی‌فی‌دالربطورمساعدت مجموعاً ۶۵– افغانی از قرار فی‌دالر محاسبه وبه صادر کنندگان‌پرداخته میشود». دستگاه های تبلیغاتی حکومت پیرامون این موضوع‌تبلیغات وسیعی‌رابراه‌انداخته وتلاش‌کردندتا این‌تصمیم‌رامانندده‌هاتصمیم بدفرجام دیگر ، موجه نشان دهند وبقبولانند که این امرکویا بحال مالداران‌کوچك وررونق صادرات قره‌قل سود مـند واقع خواهد شد.

«هر گاه ماهیت حکومت غیر از آنچه میبود که هست ، باعث تعجب مردم میگردید که‌این چه تجو یز ی است که از یکطرف نرخ تسعیر قره قل و دیگر اقلام عمده صادراتی دراثر «هدایت» صندوق وجهی بین المللی در سالهای اخیر ازنرخ‌های پائینتر کنترولی به ۴۵ – افغانی فی دالر امریکائی بالا برده میشود واز سوی دیگر به صادر کنند گان مساعدت هم میگردد .اما ازآنجائیکه عمل ونیت دستگاه حاکمهٔ افغانستان در جهت تقویهٔ مزید بورژوازی کمپرادور تجاری‌مشهوداست، بنابرآن تعجبی ندارد که دولت از جیب مردم مبالغ گزاف دیگری را نیز به تجار بزر گ صادر کننده قره قل به بخشد . تنها اگر همین بیست افغا نی مسا عد ت اخیر رابه تجار صادر کننده، بطور مثال بمیزان صادرات سال ۱۳۴۶ در نظرگیریم (زیرا ارقام برای‌سال ۱۳۴۷ تاکنون در دسترس نیست) درمی یابیم که ازین مدرك دولت بیشتر ۳۸۵ ملیون افغانی (زیرا ۰۰۰ر۲۶۱ر۱۴دالر به نرخ تسعیر ۴۵ – افغانی فی دالر بالغ بر۰۰۰ر۷۴۵ر۵۴۱– افغا نی وبه نرخ ۶۵– افغانی فی دالر بر ۰۰۰ر۹۶۵ر۹۲۶ – افغانی میگردد که تفاوت بین این دو رقم ۰۰۰ر۲۲۰ر۳۸۵– افغانی است) از عواید خودرا به عدهٔ چند نفری‌تجار بزرگ دلال سخاوتمندانه (!) مـی‌بخشد و آنگاه اسم آنرا «تشویق

درص(۲)

صدراعظم افغانستان هم میگوید که :

مملکت ما یک کشور انکشاف نیافته است

(از بیانیه نباغلی نور احمد اعتمادی‌صدراعظم دریك اجتماع اهالی گرشك‌منتشره انیس ۵ جدی ۱۳۴۷)

صدراعظم: «چیز مهمی که از همه اولتر به آن احتیاج‌داریم علم ومعارف است تادرپرتو آن بتوانیم مشکلات خودرا رفع وبه اقتضای زمان خود را آماده سا زیم ..

.. مامروزباچندین دشمن‌غیرمرئی ازقبیل فقر، جهل، بیسوادی ومرض مواجه هستیم که باید باتمام قوت وتوانائی باآن مجادله کنیم و باوجود مشکلات امروزی‌زمینه را طوری‌فراهم نمائیم که بایك اطمینان بیشتر بـآن پیش برویم» .

پرچم : باید توجه کرد که تنها به خـواست وآرزو و یاحسن نیت نمیتوان علم ومعارف را تعمیم داد، بلکه وسایل وامکانات تعمیم آن باید بوجود بیاید.به شهادت حقایق‌روشن وارقام موجود میتوان گفت که خلق افغانستان کمترین امکانات ووسایل را درین زمینه دراختیار دارند. تعداد بیشماری از فر زندان ز حمتکشان کشور از کسب‌علم ومعارف‌محرومند. چه بسا استعداد های خلاق نوباوگان جامعه که ناشگفته می‌پژمرد وچه بسا نیرو های جوانان برومند که بهدر میرود .

پس درصورتیکه طبق گفتهٔ‌نباغلی صدراعظم ازهمه اولتر به علم‌ومعارف احتیاج داریم تا «درپرتو آن بتوانیم مشکلات خودرا ر فع نما ئیم »اما اکثریت عظیم مـردم از ین نعمت برخوردار نیستند ، چطور میتـوان آرزو کردکه «به‌اقتضای زمان خودرا آماده سازیم» ؟ اقتضای زمان اینست که افغانستان بسرعت راه رشدسریع اقتصادی واجتماعی را درپیش گیرد، امانفوذ ارتجاع دردستگاه دولت‌مانع این امر وتحقق آرزو ها میگردد .

– واقعاً اکثر یت عظیم خلقهای افغانستان بـافقر، جهل، بیسوادی ومرض‌مواجه هستند،اما اینهادشمنان وحشتناك ومرئی ومشهود اند که مردم آنهارا بـا گوشت ، پوست، اعصاب، شرائین، تاروپود، و جود واستخوا نخود احساس مینمایند .

اینکه‌نباغلی اعتمادی اظهار میدا رد باتمام قوت و توانائی باآن مجادلـه کـنیم، سوال میشود که تا کـنون حکومتهادر افغانستان آیا بطورمثبت ومؤثرگامی‌هم‌در راه‌امحای‌این‌دشمنان مردم برداشته اند؟ تاچه رسدبه‌اینکه باتمام قوت و توانائی باآنها مجادله گردد! فقط کافی نیست فقر، جهل، بیسوادی و بیماری که چون اختپوت سرتا پای جامعه را پیچیده است وخود معلول است نـه علت، بحیث دشمنان اعلان گردد و بازهم کافی نیست آرزو شود تـا این دشمنـان مغلوب گردند، بـاید نشان داد کـه چه گـامهای عملی ومؤثری در راه ریشه کن ساختن آنها برداشته‌شده است ؟

صدراعظم: «گرچه وسایل‌ما‌محدود است باآنهم هدف وغایهٔ اساسی ما اینست تـامتوجه باشیم که چطور میتوانیم پس مانی های خود رامرتفع سازیم ...

. . . گـرچه مملکت یك کشور انکشاف نیافته است ولی دارای‌منابع سرشار می باشد......

... شرایط وایجابات‌زمان چیز های نوی را اقتضاء دارد که مابـاید با آن آماده باشیم.»

پرچم : وسایل و امکـانات رفع پس‌مانی کشور محدود نیست. اگر نظری به احصائیه های دست داشته انداخته شود بوضاحت دیده میشود که تنها زمین‌زراعتی موجودافغانستان در صورتیکه هیچ اراضی جدیدی هم تحت زراعت درآورده نشود، بـرای حداقل دو چند نفوس فعلی کشور، نان تهیـه کـرده میتواند . موضوع اساسی کـمبود همه ساله غلـه در افغانستان این نیست که‌زمین‌کم‌است ونفوس زیاد. ولی آنچه ما نداریم عبارت از یك پـلان اساسی جهت تنظیم وتوزیع عادلانه غله حـاصلـه میباشد. هرگاه پلانی برای اجـرای اصلاحات اساسی ارضی طرح نگردد ونظام فرتوت و غیر عادلانه اربـاب رعیتی از بین بـرده نشود، اصلاح وضع فلاکت بار موجود مردم ورفع پس‌مانی کشور امکان پذیر نیست.

نبا غلی صدرا عظم میگویند : افغانستان دارای منا بع سر شاری میباشد. ولی مامیگوئیم: بـکار بردن واستفاده از این منابع سرشارجرأت

(ص۳)

شرعی جوزجانی

حقوق ماموران پایان رتبه

پایمال میشود!

اصولنامه های استخد ام ما مورین ملکی، مستخدمین واجیران باید تعدیل گردد

زمانیکه ازدستگاه اداری‌افغانستان سخن بمیـان می‌آیـد ، خا صیت ضد دموکراتیك وضد ملی بودن آن بوضا حت در نظر مجسم میگردد. تبعیض، تورم، ارتشاء ، بوروکراسی وفساد چون امراض مزمن بر پیکران افتاده ودستگاهی‌بیماروبی‌کفایت‌ازآن بوجودآورده‌است.قوانین‌واصولنامه‌های ضد دموکراتیك که‌بدون‌درنظر داشتن‌حداقل‌شرایط زندگی‌کارمندان، حتی سالها قبل ازین وضع گردیده وتاکنون کوچکترین تعدیل معقو ل ودرستی در کیفیت آن بعمل آورده نشده، چوکات تاریك ومحدودی‌است که این دستگـاه در داخل آن کـار وفعالیت مینماید .

این چهار چو ب ضیق قوانیـن ومقررات خشك وفرسوده، نه تنهـا بحیث وسیله شکنجه وآزار خلق زحمتکش کشور ما در اختیاردستگاه حاکـمه قـرار دارد، بلکه حتی از پـاسخدادن بـه اسا سی تـر یـن نیازمندیهای خود مامـوران رسمـی وغیر رسمی دولت نیز عاجز است .

از آنجاکه مسائل مربوط بچگونگی وضع اداری مملکت وجریان معقـول امور موسسات بمهمه مردم متعلق‌است ما وظیفه خویش‌میدانیم تا «اصولنامه استخدام، ترفیع وتقاعدمامورین‌ملکی» و «اصولنامه مستخدمین و اجیران» را مورد ارزیابی قرار داده، برخی نکات اساسی آنراکه بامور مشخص استخدامی ارتباط دارد بررسی کنیم وضمناً مواد وعناصری را که برای تدوین یـك قـانون جامع وصحیح استخدام ضروری است، یاد آوری نمائیم .

خصو صیت اصلی یـك قـانـون صحیح، جامعیت وهمه جانبه بـودن آنست. قانون استخدام نیز بـایـد عموم ماموران‌وکارمندان «اعم‌ازدولتی وغیر دولتـی مـربـوط بمو سسات خصوصی» را بدون استثنا، یکسان درنظر گیرد وبدون آنکه بین ادارات وزارتخانه ها تفاوتی قایل گـردد ، مقررات استخدام، ترفیع وغیره را منحیث پرنسیپ برهمه یکسان‌تطبیق نماید. از قانون استخدام موجود عدهٔ زیادی از مـو سسات نظیر دافغانستان بانك، انحصارات دولتی، ښاروالی ها، تصدیهای دولتی، تمام موسسات خصوصی و شر کتهـا مستثنی گردیده اند. برای ایجاد یك دستگاه نسبتاً سالم در قدم اول‌باید اصول ومقررات ناظر بر تمام ایـن موسسات وادارات ، در داخل یـك قانو نجامع وصحیح‌هم‌آهنگ‌ساخته شود .

(ص۲)

قربانی مرد

عید آمد و شادم که‌زخون دگران‌نیست
نوشـابه بـزم‌من وپیمانه بدستم.
شادم که نیم رهزن‌وسرمایه نـدارم ،
نـزباده خون دگران بیخو د و مستم.
شادم که دلم محفل‌دزدان نـه پسندید،
یك لحظه به پهلوی‌توانگرنه نشستم،
پیما نه ز ساقی‌ستمگر نستاند م،
جام د لك رنجبری را نـشکستم .
شادم که نیم بنده اوهـام و خرافات ،
جز شا هد زیبای‌حقیقت نپر ستم
ای جامعهٔ خسته، الا خلق ستمکش ،
ای‌نیستی ات نیستی‌ام،هست‌تو،هستم!
عید حاصل سربازی وقربانی مـرد است ،
قربـان شدن آموزکه تبریك فرستم !

بارق شفیعی

پرچم

دافغانستان دخلك دموکراتیك افکارو خپرونکی

۵ حوت ۱۳۴۷

دکتور اناهیتا

امپراتوری

استعماری پرتگال در آستانهٔ زوال

پرتگال یگانه کشور اروپائی‌است‌که در شرایط فعلی بـزرگترین امپرا توری‌استعماری رادرافریقادارد. کشور کوچك وعقب مانده پرتگال برای حفظ این امپراتوری خود که درحدود ۸۰۲۲۹۹ میل مربع مساحت وپانزده ملیون نفوس‌دارد، بیش ازنصف بودجهٔ خود را بـه مصرف میرساند.

وسیع ترین مستعمره پرتگال موزنبیق در شرق افریقا وبعد ازآن انگولا وگینی پرتگالی در غرب افریقا واقع است وکوچکترین آن سانتوم‌وپرنسیپ است‌که‌در خلیج گینی‌واقع میباشد .

امپرا توری استعماری پرتگال از نظر ذخایر طبیعی بسیار غنی است.

ذخایر سر شار نفتی، معادن‌آهن، مس، یورانیم، الماس، طلا ونقره وتولیدات زراعتی و مواشی و غیره آن، همیشه مطمح نظر غا رتگران امپریالست بوده و همین مـوضوع است که پای نیرو های دیگر امپریالیستی‌را درپرابلم مستعمراتی پرتگال میکشانـد . شـرکت های انحصاری امریکا انحصار استخراج نفت انگولا را دارند وانتظار میرود در ۱۹۷۰ – استخراج‌نفت انگولا به هفت ونیم ملیـون تن بالـغ گـردد. انحصارات‌آلمان‌غرب‌دراستخراج‌معادن آهن انگولا سر مایه گذاری نمو ده اند.جاپان استخراج‌معدن‌آهن‌موزنبیق رابه عهده گرفته وبد ینمنظور بطور مقد ماتی مبلغ پنجاه ملیون دالر برای سر مایه گذاری‌تخصیص داده است.

حکو مت استعمار گر پرتگال برای «اداره» این‌امپراتوری بزر گ و غنی استعماری خود وسر کو بی جنبش آزادیبخش‌ملی‌مستعمرات(۱۶۰،۰۰۰) عسکر مسلح ومجهز به عصری ترین سلاح ناتو رادر افریقا متمرکزساخته است . ولی موج‌روز افزون جنبش ضد استعماری آزا دیبخش ملی و مبارزات مسلحانه آزادیخوا هان در انگولا، مو زنبیق وگینی پر تگالی استعمار گران پر تگال را در وضع بحرانی ای قرار داده است وهرروز به پیروزیهای امید بخشی‌نایل می‌گردد . اکنون‌قسمت وسیعی ازانگولا و موزنبیق وتقریباً نصف گینی پرتگالی در تصرف آزادی خوا هان میباشد .

باوجو د آنکه حکو مت پر تگال در مبارزه علیه آزادیخوا ها ن مستعمرات خویش از پشتیبانی‌همه جانبه‌نظا می، سیاسی، و اقتصا دی امریکا و دیگر کشور های مر بوط به پیمان ناتو بر خور دار است وبا عصری ترین سلاح که در داخل چو کات پیمان اتلانتیك شمالی‌بدست می‌آورد، علیه جنبش آزادیخواهی ملی‌افریقا می جنگدو با وصف تشدد وحشیانه وغیر انسانی که در برابر آزادیخوا هان رو ا میدارد، نتوانسته است جلو پیرو زیهای مزید آزا دی خوا هان ووطن پر ستان را بگیرد. بنابر همین علت است کـه اکنـون میخوا هدازیکطرف پرابلم‌مستعمراتی خود را شکل بین‌المللی بد هد وپای متحدین وهمد ستان پیمان اتلانتیك خودرا مستقیماً‌درجنگهای‌مستعمراتی خویش علیه آزادیخوا هان بکشا ند، مسؤولیت بیشتر ومصارف زیاد تر این جنگ ظالمانه را بد و ش ایـن دو ستان خود بیندازد وناتو حفاظت مستقیم ا مپراتوری استعماری‌پرتگال رابه‌عهده بگیرد. چنا نچه البر تو‌فرانکو نو گیرادر همین نز دیکیها به صراحت اظهار داشت که«مارسماً تقاضا می نمائیم که منطقه د فا عی ناتو به ایا لات مستعمره پر تگالی انگولا وگینی‌وسعت داده شو د ،تا شمال وجنوب پیمان اتلا نتیك‌توسط یك رشته قابل اعتمادی با هم وصل گردد».

از جانب دیگرحکو مت استعمارگر پر تگال برای تلافی شکست خود در میدان نبرد گرم، شیوه جنایتکار انه ترور ر هبران جنبش آزادی بخش ملی مستعمرات را در پیش گر فته وشبکه های وسیعی از خفیه پو لیس رابه‌نام(پی.آی.دی.ای)درمستعمرات بکار اندا خته است که پیو سته در جستجو وترور ر هبران می با شند. قتل جایمی سیگاکی رهبر جبهه آزادی بخش در لو ساکا (زا مبیا) ماتیوس، مویتمباوساموئیل‌کانکون‌بی نمونه‌ئی از این جنا یت پر تگال و دستگاه‌جاسو سی آن‌محسوس می‌گردد . آخرین قربانی ماموران خفیه پولیس(پی.آی. دی.ای) ادواردو – ماند لین ر هبر جبهه آزاد ی بخش مو زنبیق در دارالسلام می باشد که به تاریخ ۳فبر وری ۱۹۶۹ ذ ریعهٔ یك بم ساعت دار که در محل بو د و باش وی گذاشته شده بود ، به قتل رسید .

خطر دیگریکه جنبش آزادی‌بخش ملی افریقا را تـهدید میکند، اتحاد مخفی ولی فعال امپریالیزم آلمان غرب با استعمار پر تگال می‌با شدکه سفر اخیر کورت کیسنگر مبین آن است . امپریالیزم آلمان‌باامتیازاتیکه همین اکنون در پر تگال بدست‌آورده سعی میورزد بحیث رقیب امریکا دست آزاد تر ونیرو مند تری در مستعمرات پر تگال داشته باشد .

مداخله المان غرب در اموراِفریقا، بخصوص مستعمرات پرتگال،اتحاد نا میمونی از استعمار نو وکهنه را در قلع وقمع جنبش آزادی خوا هی ملی افریقا نشان مید هد .

ولی یقین کا مل داریم که جنبش آزادی بخش ملی مستعمرات پر تگال علی‌رغم موانع بزرگی کـه در سـر راه آن وجود دارد ، مانند هر جنبش ضد استعماری دیگر سر انجام به پیرو زی نـا یل مـی گـر د د . این حکم تاریخ است ! آزادیخواهان اراده کرده اند تا سر زمینهای‌شانرا از وجود استعمار گران‌پاك کنند.آنها آماده اند آزادی‌شانرا به هر وسیله و هر شکلیکه ممکن باشد، به دست آورند. امیلکار کابرال سکر ترجنرال حزب استقلال‌افریقادر این‌نزدیکیها طی مصاحبهٔ مطبو عاتی در ستکهلم اظهار داشت که هـر گاه رهبران جدید پرتگال از سیاست واقع‌بینانه کار گیرند،حزب‌او آ ماده‌است حصول استقلال را از طریق‌مذاکره مو ضوع بحث قرار د هد. در غیرآن تاآنوقت جنگ را ادامـه خواهیم داد که آخرین فـرد استعمار گر پرتگالی در بحر اندا خته شود .

مبارزان انگو لا، مو زنبیق وگینی پرتگالـی در مبارزهٔشان بـر ضد استعمار تنها نیستند.

جنبش ر هائی بخش ملی کشورهای مستعمره پرتگالی یکجا با جنبش بین‌المللی طبقه‌کار گر وجنبش‌جهانی سو سیالیستی در یك جریان عظیم‌و واحد نیرو مند، استعمار واستعمار‌گران پر تگالی را از بز باله دان تا ریخ خوا هد سپرد وباسر بلندی بدو ره آزادی وستقلال، رفاه وخو شبختی پا خوا هد گذاشت .

دلشکرگاه دلیسی

زده‌کونکو مظاهره وکړه

دډلوی په (۱۹) نیټه‌د سهار په(۸/۵) بجو د لشکر گاه د لیسی زده کوونکو په اعتصاب لاس پوری کړل.

دوی د اعتصاب څلورو ر ځی اوږدشو اودڅلور می‌ور ځی په (۸/۵) بجو یی یو فیصله لیك صادر کړ او په‌هغه‌کی یی د لیسی ادا ری ته خبرداری ورکړ چه که چیری‌نن‌ترلسو بجو پوری زموږ قانونی اوصنفی غو ښتنو ته مثبت‌ځواب ونه ویل شی ،موږ به خپل اعتصاب په مظا هره بدل کړو او په‌ښا ر کی به وگرزو . کله چه زده کوونکوته تر ټا کلی وخت پوری‌ځواب ورنکړی شو، دوی لاس په مظاهره پوری کړ. دا مظا هره‌دډلوی‌د۲۳ نیټی تر (۱۱/۵) بجو پو ری دوام‌درلود او بیاد زده کوونکو دغو ښتنو دمنل کیدوپه اثر ،پا ی ته ورسیده .

پدی مظاهره کی د متعلمینو اومتعلماتو له‌خوا جلا جلا بی وینا وی وشوی .

دزده کوونکود غو ښتنو مهم ټکی‌دا وو : نا لایقه معلمان دی بدل شی. او پسیکوران دی له لیسی وایستل

عید

صدای قهقه هستی ،
نوای گرم موسیقی،
وبزمی، دلفزا، لبریز از شادی
ورعنا دختران چهره شان شاداب
همه پیمانه ها در دست ،
همه مدهوش از مستی ،
همه سرمست از هستی ،
پای می‌کوبند و مـی رقصند ومی‌خندند .
وبزمشان، چه رنگین است‌ازشادی
وجام هستی پررنگ شان، لبریزازمستی
تعارفها، خوشامد ها ، مبارکها .
واین بزم پر از شادی ،
همانا عید «آنان» است .
عید «آنانی» :
که هریك لحظهٔ هستی شان‌رنگین‌تر از عید است .
ودراین بزم پر شادی
پـای می کـوبند ومی رقصـندومی خندند .
ولی‌ای همنبر د من !
تو خود دانی، که در پهلوی این‌شادی
ماتمی هم هست، ماتمی لبریز ازاندوه .
واین ماتم همانا، «عید» «اینان»است .
«اینانی» که‌خون‌شان،
طرب افزای‌رنگین بزم «آنانست».
«عید» صدها مادر پراشك ،
که حسرتناك چیزی نو ،
بهر کودك شیرین شان،
خاموش، می‌گریند ومی گریند.
«عید» ، دخترانی جامه شان‌چرکین
«عید»، دخترانی چهره‌شان‌بیرنگ
«عید»، دخترانی،کاخ رؤیاهایشان‌ویران ویراندوه
که در اندوه مرگ سخت رؤیاهاشان
خاموش، می‌گریند ومی گریند.
درین عیدی که «آنان»،
پای می‌کوبندومی‌رقصندومی‌خندند
«اینان»، همچنان، زنجیر دربندند
و درانـدوه ماتم ها یشان
خاموش، می‌گریند ومی گریند.

* * *

درخشان صبح شادی زا
که رخشان مهر آرمان های مـان‌درآسمان تابید ،
که‌تابیکران پهنای پیروزی
سمند رزم ما تازید
که بربالای کاخ عصر ،
درفش فتح ما تابید ،
همانا،عید «اینانست»، عیدماست.

(د. کاویان)

دجنرال ایوب دکتاتوری

دماتی په درشل کی

دپاکستان یوسلو شل ملیونه وگړی د ایوب خان د فردی دکتاتوری رژیم دردونه گالی .

که څه هم ایوب خان د پښتونستان او پاکستان دخلکو دپرله پسی او قهرمانانه مبارزو د فشار په اثر پر شا تگ ته مجبـور شو، اضطراری قوانین یی لغو کړل او یوشمیر سیاسی بندیان یی آزاد کړل خوسره‌له‌دی په ختیځ او لـو یدیځ پاکستان کی ناکراری ورځ تر ورځی شدت مو می .

مترقی عنا صر عقیده څر گندوی چه ایو بخان یوازی یوه لار لری او هغه داده چه د پاکستان له‌جمهوری ریاست‌نه استعفا وکړی . هغوی وایی: خلك حق لری کوم حکومت‌چه غواړی‌ویی ټاکی ،خلك شعارورکوی: دایوبخان رژیم یو غیرخلقی رژیم‌دی، باید له مینځه لاړ شی .

دشر قی او غربی پا کستان په مختلفو ښا رو نو کښی دایو بخان ددکتا تو ری رژیم پر ضد دخلکو مظاهری لاپرا ختیا او شدت مومی. دلویدیځ پا کستان په یوه ښا ر کی (۱۵) زرو تنو په یوه مظا هره کی گډو ن و کړ .

دپولیسواو مظاهره کوونکو تر مینځ دمتعددو مظاهر وپه تر څ کی‌داخ‌ودب په اثر تراو سه پو ری (ددلوی‌۳۰ نیټه) ۴۸ کسان مړه شوی اویوزیات شمیر ټپیان شوید ی .

رویدادهای مهم

جهان در هفتهٔ گذشته

برگزاری پنجاه ویکمین سال

تاسیس اردوی شوروی

آژانس خبررسانی نووستی اطلاع داد که: «اتحاد شوروی به تاریخ ۲۳ فبروری (مطابق‌به ٤حوت) روزاردوی بری وبحری اتحاد شوروی را تجلیل نمود .

درسال ۱۹۱۸ درهمین روز بودکه اردوی سرخ جدید التشکیل شوروی جلو پیشرفت قوای ویلهلم دوم‌قیصر المان را گرفت. قوای المان علی‌رغم پیشنهاد صلح،از طرف دولت جوان شوروی ، می خواست مرا کز عمده روسیه را اشغال وجمهوری جـوان سوسیالستی را منکوب نماید .

اردوی بری وبحری اتحاد شوروی ا ز جنگ داخلـی ۱۹۱۸ – ۱۹۲۲ پیروزمنـد بیرون شد. قوای مسلـح اتحاد شوروی درجنـگ عمومی دوم (۱۹۴۱ –۱۹۴۵) اردو های آلما ن هتلری را شکست داد وخلق هـای کشور هـای اروپـائی را از اسارت فاشیزم آزاد کرد .

اردو های شوروی در شکستاندن نیروی مقاومت امپریالیزم جاپان که خلقهای آسیارا تحت اسارت درآورده بودسهم قابل ملاحظه ئی دا شت .

امروزاردوهای‌شوروی باعصری‌ترین سلاحها مسلح‌میباشد وبانیروی راکتی خودقادر است تاعمق عقب‌جبهه دشمن ضربه خورد کننده‌ئی وارد کند.»

معاون وزارت دفاع اتحاد شوروی به مناسبت پنجاه‌ویکمین سال‌تاسیس قوای شوروی اظهـار داشت کـه : «قوای شوروی آماده است هرنوع تجاوز را دفـع نماید. وی تجاوز امپریالیزم را درشرق میانه وجنوب شرق آسیا تقبیح نمود وتحریـکات جدید آلمان غربی را در اروپانکوهش کرد وعواقب آنرا وخیم خواند . وی اظهار امیدکردکه نیرو هـای صلح پسند جلو خـود سری ها را خواهد گرفت.

آژانس خبـر ر سانی نووستی میگوید:

«سهم قطعات انجنیری در اردوی بری و بحری شوروی بتناسب سال اخیرجنگ دوم بیش‌از سه برا بـر شده است.

۹۰ فیصد افرادمسلح اردو ی بری و بحری شوروی تعلیمات عالی یا ثانوی دارند وبیش از ۷۰ فیصد دارای تخصص تخنیکی می‌باشند .

قوای مسلح شوروی با هوشیاری از منافع سو سیالیزم و جامعـه سوسیالستی وتمام ملل صلحدوست حراست می‌نماید».

انگلستان بدشمنان عرب سلاح میدهد

در هفتـه گـذشتـه او ضاع در سرزمینهای عربی‌تحت‌اشغال‌اسرائیل بیش ازپیش‌متشنج‌گردید. درسازمان ملل‌متحد اوراقی‌مبنی بروحشیگریهای اسرائیل پخش شد. درین اوراق‌گفته می‌شود:چندی قبل دژخیمان‌اسرائیلی ضمن یکی ازمظاهرات، (۹۳) نفر عرب‌را شدیداً مجروح ساختندوبطرز وحشیانه ئی(۱۴) نفر را زنده بـگور کردند .

همچنان دراثر گلوله باریکه در (گی‌خان) برمظاهر چیان عربی‌صورت گرفت (۱۹) تن بشمول یك دوشیزهٔ جوان عربی بقتل رسیدند .

گفته شده‌که چندین تانك و توپ وعده ئی از وسایل جنگی اسرائیل توسط اعضای‌موسسه‌الفتح‌ازبین‌برده شده است. آنچه بیشترمحافل‌حاکمه اسرائیل وحامیان امپریالیستی‌شانرا نگران ساخت، حملهٔ‌یك عده‌ازمبارزین عربی بریکی ازطیارات سرویس‌هوائی اسرائیل در میدان هوائی زور یخ بود .

موشی دایان وزیر جنگ اسرائیل گزارشی به کابینه اسرا ئیل تقدیم کرد. گرچه متن این گـزارش افشا نشد، معهذا گفته می‌شودکه اسرائیل از تشدید فعالیت قهرمانانه مبارزان عربی در برابر تجاوزات اسرائیلی ومقاومت شجاعانه ومبارزات دلیرانه مردمان مناطق تحت اشغال وتمرکز قوای‌جمهوریت‌عربی متحددرسرحدات بین اسرائیل وجمهوریت عربی‌متحد، بسیار نگران است .

روز نامه الجمهوریت نوشت : ارسال اسلحه انگلستان به اسرائیل دشمنی بامردمان‌عرب است، انگلستان به کف دشمن اعراب سلاح میگذارد تاعربهارا نابود سازد .

مظاهرات واعتصابات

انقره :

باآنکه کشتی های جنگی امریکا بنادرترکیه را ترك دادند، در انقره، ازمیر، استانبول، ادنه وغیره‌مظاهرات شدیدی علیه امریکا صورت گرفت. درازمیر (۲) نفر کشته ، (۶۰) نفر زخمی و (۵۰) نفر زندانی گردیـد. شدت مظاهرات حکـومت ترکیـه را وادار ساخت حکومت نظامی اعلان کند . روز نـامهٔ (جمهوریت) چـاپ ترکیه نوشت: لنگر انداختن کشتیهای جنگی امریکا در بنادر ترکیه باعث انزجار مردم گردید. باید به خواست مکرر مردم مبنی بر محدود ساختن فعالیتهای امریکائیان توجه شود. باید ساحه فعالیت مؤسسات تبلیغاتی امریکا درترکیه محدود گردد. روزنامه می‌افزاید: در جریان مظاهرات مکرراً مشاهده شدکه مردم، امریکارا دشمن شماره یك خود میدانند .

پاریس :

درسر تاسر فرانسه اعتصابی‌بنام (روز ملی فعالیت) صورت گرفت.این اعتصاب درحقیقت ممثل قـدرت و قاطعیت طبقهٔ کارگر فرانسه بـود. سندیکای عمومی کـار فرانسه سردسته‌این مبارزه بود. در همین روزها دهها اعتصاب کوتـاه مدت، میتنگها و مظاهـرات صورت گرفت. درین مظاهرات وحدت عمل ومبارزه مشترك عنوان اساسی مبارزه بود .

درامریکا :

– محصلان یکی از پوهنتونهای ایالات متحدهٔ امریکا دست به مظاهره زدند . تظاهر کنندگان شعارمیدادند: جنگ ویتنام یك جنگ جنایتکارانه است! تبعیض نژادی در قرن (۲۰) محکوم است! باید درپوهنتون‌ریفورم درسی بوجود آید. همچنان در یك مظاهره بزرگ دیگر علیه جنگ‌ویتنام چندین هزار نفر از سربازان‌امریکائی شرکت کردند .

– پنجاه هزار کارگر بنادر امریکا به اعتصاب خود ادامه میدهند. خسارات وارده ازین ناحیه‌به بیشتر ازملیونها دالر رسیده است.

–محصلان بلیوی(امریکای‌جنوبی) علیه ایالات متحدهٔ امریکا بمظاهرات شدیدی دست زدند. مظاهر چیان از حکومت تقاضا کـردند تـاسفیر امریکارا از بلیوی خارج سازد.

از کنفرانس صلح پاریس تاامیدانهای

جنگ ویتنام

مذاکرات چند جانبه صلح پاریس‌بروز اول حوت درپایتخت فرانسه آغاز شد. جانب امریکا ورژیم‌سایگون‌بشیوهٔ همیشگی وقت کنفرانس را باطرح موضوع ایجادمنطقهٔ آزادوغیره بهدربردندحالیکه‌جبهه‌آزادیبخش ملی ویتنام جنو بی و نمایندگـان جمهوریت د موکراتیك ویتنام قطع تجاوز، خروج نیر و های بیگـانه

(ص۳)

از (ص اول)

مساعدت به صادر کنندگان...

صادرات پوست قره قل وتقویهٔ بنیهٔ اقتصادی مالداران» میگذارد؛ برای جبران کسری که ازین ناحیه در عواید دولت رونما میگردد مسلماً یا بازهم میزان مالیات غیر مستقیم افزایش می یابد، یا استقراض صورت می گیرد، یابودجه بخصوص بودجهٔ معارف، صحیه وامور دیگر خدمات اجتماعی کاهش می پذیرد ویا طریق غیر دموکراتیک دیگری در پیش گرفته میشود که بهرصورت زیان آنرا طبقات محروم جامعه متحمل خواهند شد.

بغرض وضاحت بیشتر موضوع باید تصریح کرد که: هدف ازین اقدام اخیر حکومت ویا نتیجهٔ آن تشویق وتقویهٔ تجار بزرگ کمپرادور میباشد، نه تشویق تربیهٔ گوسفند قره‌قل، وهرگاه چنین هم پنداشته شده باشد بخطاست، چه عمده عواید ازین ناحیه به‌جیب تاجران بزرگ آزمند واحیاناً مالداران بزرگ متنفذ میریزد و تربیه کنندگان زحمتکش واقعی گوسفند قره قل بهره و نصیبی بجز رنج و مشقت بیشتر نخواهند داشت.

باید گفت که عمده ترین اقلام صادراتی کشور راپوست قره قل، گاز و میوه تازه وخشک وغیره تشکیل میدهد وپوست قره قل درین میان مقام بر جسته‌ئی دارد که باید تولید وصادرات آن تشویق گردد. اما راه تشویق آن طوری نیست که حکومت می پندارد. فرض میکنیم در اثر پالیسی اخیر درین زمینه مالداران قیمت های بلند تری در برابر پوست قره قل بدست آورده و تشویق گردند، نتیجهٔ آن درو هلهٔ اول سربریدن تعداد بیشتر بره‌ها خواهد بود که تاثیر معکوسی را در تولید نسل های آینده آن بجا خواهد گذاشت. برای تشویق تولید وسیع ومداوم قره قل متاسفانه شرایط لازم از قبیل علفچرها ی سر سبز، علوفه، پناهگاه های صحی وکافی، وسایل حمایه وتقویه نسل وغیره وجود ندارد. گوسفندان همیشه در معرض خطر انواع گوناگون بیماری های حیوانی، بارندگی، سیلاب، سرما، گرما، حیوانات درنده وغیره قرار دارد. چوپانان از آنجائیکه بطور وحشیانه‌ئی از طرف مالداران بزرگ استثمار میگردند، به تربیت صحیح و نگهداشت گوسفندان نمیتوانند بیش از یک حد معین علاقه بگیرند.

هرگاه حکومت واقعاً در نظر میداشت که تولید مداوم ووسیع پوست قره قل را تشویق وتضمین کند، ساده ترین راه در شرایط کنونی بکار بردن همین مبلغ اضافی (در حدود ۴۰۰ ملیون افغانی) در راه حمایه نسل، اصلاح و بهبود چراگاههای خشک و بی علف وغیره بود، نه سرازیر ساختن آن به جیبب معدودی از تاجران کمپرادور. صادرات قره قل را با جلو گیری از قاچاق وسیع آن، پیدا کردن بازار-های جدید، اتخاذ پالیسی صحیح تجارتی وغیره بهبود و انکشاف میتوان بخشید، نه از طریق مساعدت به تاجران دلال. در سال ها ی اخیر از یکطرف خروج پوست قره‌قل بطور قاچاق، بغرض بدست آوردن تمام عواید دالری آن، از طرف تاجران بزرگ افزایش یافته واز سوی دیگر قیمت های قره‌قل در بازار های غربی پیهم نزول کرده است. بمنظور اثبات این حقیقت ارقام مربوط به عواید فروش و تعداد پوست صادر شده را بالترتیب برای سالهای ۴۴، ۴۵ و۴۶ با استفاده از احصائیه های رسمی حکومت ارائه مینمائیم:

ار ۱۶۰۸۴ هزار دالر در برابر ۱۵۰۴ر۵ هزار جلد پوست، ۶ر۱۱۷۶۱ هزار دالر در مقابل ۲ر۱۳۷۹ هزار جلد وبالاخره ۱۴۲۶۱ هزار دالر در برابر ۱۹۰۳ هزار جلد پوست قره قل. که ازین قرار قیمت فی جلد بصورت متوسط از ۶ر۱۰ دالر در سال ۱۳۴۴ به ۸ر۵ دالر در سال ۱۳۴۵ وبالاخره به ۷ر۵ دالر در سال ۱۳۴۶ پائین آمده است.

پس معلوم است که در فیصلهٔ اخیر حکومت در زمینه صدور قره‌قل مطمح نظر بطور شعوری ویا احیاناً غیر شعوری، تقویت بیشتر تجار کمپرادور بوده است، نه چیز دیگری. وبهمین جهت وده ها عمل وحرکت ضد خلقی دیگر وضد ایجاد اقتصاد ملی است که روز به روز بورژوازی نو ظهور افغانستان خصوصیت فاسدشونده وکمپرادوری را بخود می گیرد. در حالیکه در کشور ما زمینه های وسیعتری برای تجارت بی بند و بار وبدون کنترول فراهم میگردد وپروسه کمپرادوریزه شدن بورژوازی به مثابه قشر ی ارتجاعی وهوادار امپریالیزم که در دستگاه دولت از نفوذ عمیقی برخوردار اند، در جریان است. در بسا ازکشورهای کم رشد آسیا ئی وافریقائی بمنظور رشد وسیع وهمه جانبه اقتصادی و اجتماعی سیاست اقتصادی سالم در پیش گرفته شده، تجارت خارجی تحت کنترول همه جانبه تر ملی در می آید وبخصوص اقلام عمده صادراتی ووارداتی ملی میگردد. در افغانستان هم وقتی میتوان از تامین تجارت سالم طبق منافع توده های مردم مطمئن گردید که قدرت حکومتی بدست خلق متمرکز گردد ومنجمله درزمینه تجارت خارجی پالیسی های مبتنی برمنافع خلق با شمول ملی کردن آن اتخاذ شود.

از (ص اول)

حقوق ماموران پایانرتبه...

مهمترین موارد ضد دموکراتیک که میتوان آنهارا مظاهر روشن وغیر قابل تردید اتلاف حقوق کارمندان (مطلوب بیشتر کارمندان پاك نفس وپایینرتبه است) دانست، بترتیب ذیل یادداشت میگردد:

۱- اخراج :

«اصولنامه استخدام، توفیع وتقاعد مامورین ملکی» و«اصولنامه مستخدمین واجیران» با قیود و مقررات ضد دموکراتیک خویش طوری غیر عادلانه تدوین گردیده که هیچ یك از ماموران، مستخدمان و اجیران نمیتوانند در تحت تاثیر آن احساس اطمینان ومصونیت در وظیفه نمایند. خطر اخراج به بهانه های لغو اداره، از تشکیل یا اختصار اداره «تنقیص بودجه»، مریضی بیش ازدوماه، غیرحاضری مسلسل ده‌روزه ویامتفرق بیش از یکماه دریکسال، ظهور عدم لیاقت درماه اول بعد از قرار داد، ترك وظیفه، عدم ضرورت به اجیر، مصاب شدن بمریضی مسلسل درمورد اجیران (مواد ۱۰- ۱۵-۲۰-۲۹-۳۲ اصولنامه مستخدمین و اجیران) سوق دادن به تقاعد اجباری و یا استعفای اجباری درمورد مامورین ملکی (مواد۱۷-۱۸-۳۲-۲۴-۴۲ اصولنامه استخدام مامورین) همیشه ماموران، مستخدمان واجیران پایینرتبه بیواسطه وبدون ارتباط بمقامات عالیه راتهدید میکند.

چه بسا ماموران، اجیران ومستخدمانی که با استفاده ازمحتویات غیر دموکراتیك موادمذکوربه‌ماموریت شان خاتمه داده شده و بدون کوچکترین مصونیتی در صف بیکاران پیوسته اند. گروه بزرگ اضافه‌بست شدگان که همه ساله از وزارتخانه‌ها وموسسات دولتی وخصوصی بیرون رانده میشوند، همین اکنون وضع رقتباری دارندوچون نمیتوانند کاری مطمئن برای تأمین زندگی خویش بدست آورند، ناگزیر به سیل بیکاران می‌پیوندند. اخراج یکتعداد زیاد عناصر مترقی ووطن‌پرست به بهانه‌های اضافه بست، اضافه تشکیل و غیره لکه سیاه ننگینی است برجبین دستگاه حاکمه افغانستان.

مامورینی که دراثر الغای ماموریت، اضافه بست شدن وغیره پست خودرا از دست میدهند، مجبورند تاششماه درانتظار وظیفه‌ئی دریکی از ادارات دولتی بسر برند و هرگاه کاری برای شان دستیاب نشد، بخدمت شان خاتمه داده میشود (به تقاعد اجباری سوق داده میشوند).

مقررات مربوط باخراج «زیرعناوین گوناگون» بدون تعهد وبدون آنکه محل کار دیگری برای اخراج‌شدگان تأمین گردد، از ظالمانه ترین مواد این‌دواصولنامه میباشد که‌گردانندگان دستگاه اداری مملکت باوسیله قرار دادن آن حقوق مسلم وقانونی کارمندان را پایمال میکنند ومطالبات غیردموکراتیک خود را برآنان تحمیل مینمایند. حذف و تعدیل این اصلها وسایر اصلهای ضد دموکراتیک این دو اصولنامه وسایر اصولنامه های مورد تطبیق، از مبرم ترین‌خواستهای ماموران، مستخدمان واجیران دولتی وغیر دولتی است که باید در راه تحقق‌آن به مبارزات‌پیگیر ودامنه‌داری گذشت.

۲- معیار درجه بندی و ترفیع :

باید یك قانون استخدام درست ومعقول متضمن معیار ها و ملاکهای واقعبینانه ئی باشد تا براساس آن رتبه ها ودرجات ماموران، مستخدمان واجیران تعیین گردد وترفیع وترقی آنان از یك رتبه برتبه دیگر، از یك پست به پست دیگر بنحوی منطقی وقناعت بخش صورت گیرد. اصولنامه استخدام مامورین ملکی تمام ماموران را به (۱۳) رتبه‌تقسیم‌نموده ودرجه تحصیل مامور یگانه معیار تعیین‌کنندهٔ رتبه شناخته شده است (اشخاصیکه تحصیلات خصوصی داشته باشند براساس اصل (۵) فقط برتبه های ۱۱-۱۲-۱۳ پذیرفته شده‌میتوانند.)

اصولنامه مستخدمین واجیران این دوصنف را به (۲۱) درجه تقسیم کرده، اما کدام ملاك روشن وصریحی برای تثبیت درجه آنان تعیین نکرده است. منظوری اجیران بر طبق اصولنامه مذکور از صلاحیت آمرین اعطای دوایر وموسسات میباشد.

البته جای تردید نیست که درجه معلومات علمی و اسناد تحصیلی میتواند بحیث یکی از ملاکهای تعیین کنندهٔ رتبه های مامورین و ترفیع و ترقی شان باشد، اما هیچگاه نمیتوان آنرا بحیث یگانه ملاك‌ومعیار منحصر بفرد شناخت.

نظر باصل (۱۰) اصولنامه‌مامورین ملکی یکی از شرایط ترفیع مامور، گرفتن سجل خوب وگنجایش بست میباشد. گنجایش بست یکی ازقیود ضد دموکراتیک وعاری ازمنطق است که استحقاق ماموران را عمداً پایمال مینماید. هرگاه حکم ماده (۵۰) اصولنامه مذکور راکه طبق آن ماموری‌که مدت ده سال در یك رتبه باقی میماند به تقاعد (البته اجباری) سوق داده میشود، درنظر بگیریم ودشواری گرفتن سجل قابل قبول‌را نیز برآن بیفزائیم، ظالمانه بودن‌این قید بوضاحت تمام نمایان میگردد. صلاحیت خانه پری کردن اوراق‌سجل فقط برعهده آمران درجه اول است. ضرورت حکم می نماید که‌مبارزان که بتواند جلو خودسریها، واسطه بازیها و تمایلات شخصی وسیاسی آمران را بگیرد، وجود ندارد.

(باقیدارد)

از (ص اول)

اعمال سیاه ضبط احوالات...

چینان دستگاه حاکمه پیوسته همه جا حاضرند، هم اکنون مکاتبات محرمانه مصونیت ندارد مکالمات ثبت میگردد، سانسور مطبوعات، کنترول افکار و تفتیش عقاید و احساسات جریان دارد. دستگاه-های ضبط صوت مخصوص جاسوسان دراینجا و آنجا مشغول فعالیت است، در صنوف درسی شاگردان و محصلان، در کارخانه ها وپروژه های ساختمانی و صنعتی، درادارات، در تظاهرات واعتصابات، در چایخانه ها و هوتلها، در سرویسها، در بازار .... وغیره ماموران و جواسیس مخفی دستگاه حاکمه مشغول فتنه گری، دوسیه-سازی و جعلکاری اند. سازمان جاسوسی افغانستان که دیروز تنها به‌وسیله جاسوسان پنجاه و صد افغانیگی گزارش مجعول می-گرفت اما در جریان ده سال اخیر مجهز به عصری ترین وسایل و پرسونل پولیس مخفی و جاسوسی گردیده است.

دستگاه جاسوسی و پولیسی افغانستان بخصوص در چند سال اخیر بیشتر ازینجهت قابل‌تشویش جدی است که سازمان جاسوسی و پولیسی آلمان غربی در آن نفوذ روز افزون کسب میکند ویا بعبارت ساده دستگاه جاسوسی و پولیسی افغانستان با آلمان غرب «توأمیت» دارد.

به همگان معلوم است که تمام وسایل وتجهیزات تخنیکی دستگاه جاسوسی و پولیسی افغانستان از آلمان غرب وارد می گردد ومعلمان ومستشاران آلمانی در شبکه های جاسوسی و پولیسی کشور ما به «تدریس ومشوره» مشغول بوده و پولیسهای مخفی افغانستان را به آلمان غرب برای تحصیل اعزام میدارند.

فعالیت های تخریبی سازمانهای جاسوسی امپریالیستی :

قراریکه بعضی از جراید آلمانی می نویسد، اکنون آلمان غرب به حیث پایگاه جاسوسی جهان غرب به مقابل دولتهای ملی و مترقی و سوسیالیستی مرکز فعالیت بسیاری از سازمانهای جاسوسی کشورهای خارجی از قبیل سازمان مرکزی جاسوسی کوریای جنوبی، یونان، سازمان امنیت و اطلاعات کشور ایران (ساواك) و سرویس اطلاعاتی هسپانیا و غیره می باشد که مستقیماً باسازمانهای مخفی جاسوسی کشورهای «دوست» غربی بخاطر مبارزه علیه افکار و سازمان های مترقی همکاری میکنند.

باید خاطر نشان ساخت که سازمان پولیسی آلمان غربی خلف همان پولیس مخفی و حشتناك هتلری (گشتاپو) است که اکنون‌بار دیگر روز بروز ماهیت فاشیستی و ارتجاعی خودرا تمام عیار بروز میدهد و در یك جبهه نامقدس در ارتباط با دیگر سازمانهای جاسوسی امپریالیستی اعم از سازمان جاسوسی امریکا (سیا) و انتلجنس سرویس انگلستان، رکن دوم کشور فرانسه، علیه نیروهای مترقی و وطنپرست و جنبشها ی آزادیبخش ملی ضد ارتجاع وضد امپریالیزم در کشور های آسیائی، افریقائی وامریکای لاتین مبارزه می-کنند.

همچنین سازمانهای جاسوسی امپریالیستی با ارتباط همکاری ونفوذ در محافل حاکمه ارتجاعی و سازمانهای پولیسی وجاسوسی کشور های کم رشد، زیر نامهای «سازمان امنیت، مصونیت» و غیره کودتا های نظامی ضد ملی و ضد دموکراتیک را در ین کشور ها به وجود می آورند و نیرو های وطن پرست و ترقیخواه را سر کوب می‌نمایند. کودتاهای ضد ملی وضد مترقی در ایران، کانگو کینشاسا، عراق، گانا، مالی، اندونیزیا، یونان، برازیل، دومنیکا، پاناما توطئه های ضد کیوبا، تجاوز اسرائیل و غیره همه به‌همکاری و فعالیت مخرب سازمانهای جاسوسی امپریالیستی، به‌ضرر نهضت‌های نجات بخش ملی صورت گرفته‌است.

به‌طور کلی وظایف پلید وسیاه سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و کشور های ارتجاعی وابسته به استعمار وامپریالیزم به قرار ذیل است:

- توطئه و فعالیت تخریبی علیه دولتهای مترقی وملی وایجاد کودتاهای نظامی ضد ملی و ضد دموکراتیک؛
- مداخله، تجاوزوتولیداغتشاشات بر ضد حکومت های مترقی وانقلابی وایجاد بحران‌های اقتصادی و سیاسی بغرض بد نام کردن این حکومتها؛
- تقویه نیرو های ارتجاعی در عرصهٔ ملی و بین المللی از طریق مداخله در انتخابات، در تشکیل احزاب ودر ارتقای عناصر هوا خواه امپریالیزم در دستگاه دولت وطرد عناصر وطنپرست و ترقیخواه از آن ونفوذ در موسسات مهم دولتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی؛
- تخریب روابط فرهنگی، سیاسی اقتصادی کشور های مستقل ملی با کشور های ملی ومترقی وسوسیالیستی؛
- ایجاد تفرقهٔ های ملی، قومی، نژادی، مذهبی، قبیلوی و غیره؛
- کمك به سازمانهای به اصطلاح «امنیت ومصونیت ملی» کشور های وابسته به امپریالیزم در مبارزه علیه جنبشهای آزادیبخش ملی و مترقی در زیر نام انتی کمونیزم و جلو گیری از «خطر کمونیزم» و صدور ضد انقلاب؛
- تشدید تفرقه، انشعاب، تفتین ونفوذدادن اجنت پروکاتور-ها در میان نیرو های ملی و مترقی و مبارزه علیه سازمانهای اصیل مترقی و انقلابی وایدئولوژی و سیاست آنها ودفاع‌از سیاست-های ارتجاعی، حتی زیر نقاب «انقلابیگری» چپ روی و چپ نمائی وشعار های ماورای انقلابی؛
- کار تبلیغاتی به منظور جلو-گیری هر چه بیشتر از رسوخ‌افکار مترقی، بخصوص میان جوانان و محصلان؛
- دوسیه سازی، دسیسه، تعقیب و ترور آزادیخواهان و رهبران ملی و مترقی؛
- پخش اتهامات و دروغ به‌غرض بد نام ساختن سازمانها و رهبران مترقی وانقلابی؛

ودههای عمل سیاه دیگر وجنایات ضد انسانی و ضدمنافع‌ملی‌وخلقی.

تغییر نام نمیتوانند برروی سیه-کاریها پرده افگند :

ما معتقدیم که تا نفوذ دستگاه پولیس امپریالیزم آلمان غربی ودیگر سازمانهای مخفی امپریالیستی از کشور ریشه کن نشود وتمام دوسیه های جعلی ضدنیرو-های ملی و مترقی کشور طعمهٔ حریق نگردد و به تعقیبات و فتنه انگیزی و توطئه علیه نیرو های ملی‌ومترقی کشور خاتمه داده نشود، و به اصطلاح «ادارهٔ مصونیت ملی» هدف خودرا تعقیب وطنپرستانه عمال اجنبی، خائنین به‌وطن، خلق، استقلال ملی ودموکراسی، ستم-گران داخلی، اجنت های امپریالیستی، رشوه ستانان و عمال‌فاسد دولت و اشخاصیکه به کشور و آزادی خیانت کرده و نسبت بحقوق و آزادیهای دیموکراتیک افراد اجحاف و تعدی نموده اند، قرار ندهد و به مفهوم واقعی «ملی» مبارزه خودرا به صورت آشکار و مخفی علیه ارتجاع داخلی وامپریالیزم تعقیب نکند، به هیچصورت نمی-توان با تغییر نام، ماهیت واقعی و نفرت انگیز دستگاههای ضبط احوالات و استخباراتی افغانستان‌را تغییر داد. هر نامی که بالای آن بگذارند، سازمان موجودجاسوسی واستخباراتی کشور در حقیقت «ادارهٔ مصونیت ارتجاع» است، نه «ادارهٔ مصونیت‌ملی». باید یادآور شد که خلق افغانستان همیشه از جبههٔ امپریالیزم وارتجاع داخلی مصونیت نداشته است و دهها اغتشاش داخلی ووجود دوره های طولانی استبداد و نفوذ ارتجاع و استعمار همه ناشی از مداخلهٔ استعمار وامپریالیزم در وجود سازمان های‌جاسوسی امپریالیستی (انتلجنس سرویس انگلستان، سازمان جاسوسی فاشیستی آلمان غربی، سازمان جاسوسی سیای امریکا) بوده است.

تا وقتیکه اعمال خود سرانه و خلاف قانون و ضد منافع ملی باقی است «مصونیت ملی» وجود خارجی ندارد. تنها یك دولت ملی ومترقی ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم می-تواند یك «ادارهٔ مصونیت ملی» را ایجاد کند وافغانستان را از شر مداخلات و دسایس دشمنان آزادی واستقلال ملی، دموکراسی وترقی اجتماعی مصئون نگهدارد و طبق منافع ملی و مترقی خلق کشور ما فعالیت کند.

وجود شبکه های جاسوسی نمی تواند مانع مبارزه گردد:

بهر حال باتوجه جدی به این واقعیت که‌دستگاه حاکمه کنونی افغانستان به شبکه های وسیع پولیسی وجاسوسی مجهز است ضرورت حکم می‌نماید که مبارزان جنبش رهائی بخش ملی و مترقی ما از غفلت، سهل‌انکاری، خوش-باوری و بی احتیاطی جداً احتراز کنند.

ولی باید در نظر داشت که دستگاه پولیسی و جاسوسی درهر کشور علی‌رغم قدرت خود، در برابر خلق زبون و ناتوان است؛ زیرا چنین دستگاه هیچگاه‌نمیتواند اعتماد وکمك مردم راجلب کند.

به‌همین جهت اگر کم بها دادن به نیرو های تخریب کار پولیس‌داخلی وامپریالیستی اشتباه آمیز وخطر-ناك است، پر بها دادن به نیرو ی آن نیز اشتباه آمیز تر وخطرناکتر است وموجب بی اعتمادی وبدگمانی وترس از اقدام و عمل مبارزه ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم می-گردد. باید یاد آور شد که هنگام جنگ عمومی‌دوم‌جهانی‌حتی‌فاشیستها و گشتاپو (پولیس مخفی هتلری آلمان) هم هیچگاه موفق نشدند که با ترور و کشتار مبارزه مردم‌اروپا را مختنق سازند، واز شکست حتمی فاشیزم جلو گیری کنند.

هر قدر دستگاههای جاسوسی و پولیسی پر قدرت تر و فریبکار-تر باشد، باز هم این دستگاهها در برابر قدرت متحد نیرو های مبارز و جبههٔ متحد خلق مو شیست در برابر شیر، قطره‌ایست دربرابر اقیانوس تاریخ مبارزات آزادی بخش ملی و اجتماعی ملل مبین این‌حقیقت است که هیچ دستگاه‌پولیسی وجاسوسی نتوانسته است در مقابل جنبش انقلابی و رهائی‌بخش ملی وزحمت-کشان تااخیر مقاومت کند وصاحبان محکم به زوال خود را از سقوط حتمی نجات دهد.

دیوه شرموونکی فریب

رسوا کیدل

ښاغلی جغتوال، تر پورتنی عنوان لاندی مونږ ته یو لیك را استولی او په هغه کی یی لاندینی مقدمه او مضمون د یوه فریب درسوا کیدو په هکله دخبریدو په غرض را لیږلی دی:

«څو ورځی دمخه په «پرچم» کی‌دوردګو دجغتو دڅو تنو بزګرانو یو لیك خپور شو چه‌ویل یی: «دوردګو بزګران لوټ کیږی».

پدی لیك کی هغوی (بزګرانو) له حکومت نه پوښتنه‌کړی وه چه‌که دځمکو ویشل حقیقت لری نوحکومت ولی پخپله زمونږ غریبانو سره نوازش (!) نه‌کوی چه اول مو پخپلو فیوډالانو خوری اوبیا داسی وخت ځمکه راکوی چه زمونږ سره دوږتلو هیڅ وسیله پاتی نه‌وی ؟؟؟

اوکه داخبره درواغ وی (لکه چه درواغ ده) نوآیا حکومت ولی ددی خونخورو منګولی زمونږ غریبانو له ګریوانونو څخه نه بیلوی؟

«پرچم» دلیك په پای کی یوه ډیره مدلله اود حقیقت نه ډکه تبصره هم وړاندی کړی وه چه که په حقیقی توګه تحقیق و شی یقیناً دڅو تنو تشی په نامه نویانو دیوی ډیری فجیع او شرم آوری فریبکاری نه‌به هم پرده اوچته شی.

ښاغلی جغتوال له‌پورتنی مقدمی نه وروسته داسی لیکلی دی:

«ستاسو دی خپرونی دوردګو په والی باندی دومره اغیزه وکړه چه‌په سبایی دسید آباد دولسوال او یوه هیأت سره دوردګو جغتوته را غلل اوپه دغه دردناکه موضوع کی یی‌په یوه‌اوبل کلی کی پوښتنی و کړی په نتیجه یی‌لا میدان ته نده راغلی. خلکو خو څینو په ځواب کی دا عذر وړاندی کړ چه‌که‌مونږ اوس‌تاسی ته رښتیا ووایو، تاسی چه ستنا نه شیء، حاجی صاحب به مونږ تالا والا کړی. ځکه چه‌یو خو بخپله خان او زورور دی اوبل یی هغه څوك ترڅنګ ولاړ دی چه په‌تیرو انتخاباتو کی، ده‌ورسره مننی او ترږی کړی‌دی‌او هغوی اوس دحکومتی اقتدار او برم په ډیرو لوړو پوړیو کی ناست‌دی.

مګر ډیرو نورو بزګرانو هیأت‌ته حقیقت وویلی او پدی موضوع یی اعتراف وکړی چه حاجی صاحب هم لستونه جوړ کړی اوهم یی دهرنوم په مقابل کی پیسی اخیستی دی.

... په‌هرحال مونږ په‌کلکه داتمه کوو چه په‌دی موضوع کی دحکومت دهیأت نتیجه ژر حقیقت ته ورسیږی او د فریبګرو اودسیسه کارانو له څیرو څخه (هرڅوك چه‌وی) د فریب پرده ولویږی او دوږیو او بربنډو خوش باوره بزګرانو پیسی بیرته ورکړل شی.

باید مجرمان (هر څوك او د هر پوړ ښیښن خاوندان چه وی) د عدالت میدان ته راکش کړه شی او داسی بازخواست تری وشی چه بیا هیڅ مقتدر اوفیوډال‌دغریبو خلکو ګریوان ته لاس وانه چوی او وینونه یی‌زبیښه نکړی. اوداځکه چه دا دریم ځل دی چه په داسی دسیسو اوفریبونو دوږیو او وږی مرغو بزګرانو نه په ورډګو کی پیسی را ټولیږی. داپیسی داسی پیسی دی چه بی‌مرغه‌بزګران یی په سود او سلم راپیدا کوی اود ځمکی په هیله یی د محلی نهنګانو ستونی ته وراچوی.

زه پرچم ته دزړه له کومی کور-ودانی وایم‌چه دهغه پخوانی‌خپرونی ډیر نیك اثر ښندلی دی او هیله‌کوم چه زما دغه لیك هم پخپلو پاڼو کی نشر کړی. کوندی وی چه‌زمونږ او دهغه دغه نیك او شریك جهاد په نتیجه کی دخوارانو ګریوانونه د ظالمانو او فریبکارانو دشر اوفساد څخه خلاص شی.»

توده‌های محکوم مردم ما

از ریشه‌های علف تغذیه میکنند

مرتجعین سراسر کشور ودستگاه حاکمهٔ افغانستان با استفاده از سطح پائین شعور سیاسی واجتماعی مردم، شب وروز به تبلیغات زهر آگین وتخدیر کننده‌ئی مشغول اند تا از رشد شعور طبقاتی ایشان جلوگیری وآنانرا از لحاظ درك ومبارزه، خلع سلاح نمایند. برآنها بقبولانند که گویا بخاطر خدمت برای اقلیت صاحب امتیاز جامعه، خلق گردیده‌اند؛ یعنی هرگاه این آقایان ومفتخواران وجود نمیداشتند روی حساب این ستمگران، اصلاً وجود طبقات زحمتکش وعامهٔ مردم بی‌لزوم بود، چه‌در آنصورت نظم جامعه برهم میخورد وهیچکس حاضر بکار نمیشد، بنابرآن افراط وتفریط ازلحاظ اقتصادی درجامعه یك امر کاملاً طبیعی، مطابق مصالح مردم ونظم عمومی است.

درحالیکه چنین نیست، بلکه نظم جامعه ومصالح عالیه خلق را طفیلیان ومفتخواران برهم زده اند وآن نظم تنها از راه تامین حقوق زحمتکشان تلافی شده میتواند وبس.

اینکه غذای اکثرمردم ما در شهر ها وروستا های کشور عمدتاً نان خشك وچای تلخ، جواری، باجره، جو، باقلی، مشنگ، کچاله وارزن تشکیل میدهد، اینکه درکشور «زراعتی» ما اکثریت اهالی مناطق شرقی، جنوبی، جنوب شرقی وغیرهٔ وطن ما، جواری را تلخ میسازند تاکمتر صرف شود وعده‌ئی‌هم از توت و تلخان تغذیه میکنند وبعضی ازدانه های درختان وحشی جنگل غذا ی خود را بدست می آورند؛ اینکه صدها هزار انسان در بدخشان، نورستان وهزارجات علف های هرزه وبیخهای نباتات کوهی را بجای نان میخورند کاملاً طبیعی وانمود میگردد.

اینکه گرمای جانسوز تابستان و سرمای کشندهٔ زمستان، تن ها ی برهنهٔ مردم را اذیت میکند واینکه فرزندان وجگر گوشه های خلق زحمتکش کشور، چون کرمها درمیان کثافات و خاك میلولند ودربرابر دیدگان پدران ومادران رنجکشیده، ازفرط گرما وسرما، گرسنگی وبیماری جان‌میسپارند. ازطرف طبقات حاکمهٔ ارتجاعی کشور وارگانهای آن کوشش میشود تاامری کاملاً عادی تلقی گردد.

اکنون که میدانند توده های مردم بیدار میگردند وروز بروز دشمنان طبقاتی خود را تشخیص میدهند، طبقات حاکمه ارتجاعی ونمایندگان گوش بفرمان آنان دست وپاچه شده جهت حفظ منافع خویش با عمال ناجائز تبلیغات تخدیر کننده، اتهامات، تکفیر کردن ها ودسائس وسیع پرداخته اند وقدم بقدم برشدت عمل خود درجهت یورش برقدرتهای دموکراتیک ونمایندگان اصیل مردم افغانستان می‌افزایند.

اما مردم برای همیشه به‌لالایی افسون آمیزاین دژخیمان گوش نخواهندداد وکاخ استبداد جاودانی نخواهد ماند.

توده های زحمتکشان، توده‌های عظیم انسانی، سیلاب تسخیرناپذیر است وسر انجام راه خودرابسوی وادی نجات می کشاید.

قلیج

درد ها، شکایتها واعتراضات خلق

سیاست اختناق وخودسری

معارف ولایت بلخ را تهدید میکند

ښاغلی محمد اکبر «اخلاقی» ازولایت بلخ می نویسد:

«اکثر معلمین ومعلمات وطن محبوب ما افغانستان باوصف اینکه پربهاترین ومقدس ترین وظیفه را در شرایط دشوار انجام میدهند، تحت فشارهای گوناگون سیاسی قرار گرفته اند.

معارف ولایت بلخ از موارد مثال این فشارها وحتی دسائس وتوطئه‌ها ست. اداره کنندگان ومعلمانیکه درمعارف این ولایت مصروف خدمتند وعشقی باوطن وطبقات ستمکش دارند، پیوسته آماجگاه جفا ودسائس یك عدهٔ دیگری قرار میگیرند که در شرایط فعلی صاحب قدرتند.

گویا وطنپرستی و خلقدوستی بصورت مفهوم شده درمعارف این‌ولایت جرمی است که‌هرگز بخشوده نمی‌شود.

شاگردان پیش آهنگ و رشیدرا بداشتن عقائد وافکار این‌وآن متهم میسازند وزمینهٔ سرکوب آنانرا فراهم می‌آورند.

جلوداران معارف این‌ولایت بجای آنکه حساب شانرا به مردم بدهند، بالعکس این حساب را در دعوتهای مجلل صاحبان زر وزور وبر سر سفره‌ها ی رنگین با رباب نعمات میدهند. درواقع یك حلقهٔ بهم‌بسته در رأس امور اداری معارف این‌ولایت قدرت یافته است که علیه تمنیات اکثریت معلمان، معلمات وشاگردان، امور معارف را طوری تدویر کنند که بنفع هدفهای ارتجاعی وبزیان مصالح ومنافع عامهٔ مردم باشد.

معلمانیکه نظراین حلقه را درامور مربوط تعقیب نکنند، چون توپ بدور پرتاب میشوند. میرمن صدیقه معلمهٔ ښوونځی ابتدائی دختران (فاطمهٔ بلخی) یکی‌ازقربانیان همین دسائس است. برای وی ساختندکه راپورنامطلوبی درمورد مشار الیها از استخبارات رسیده است! اگر چنانراپوری هم رسیده باشد باید بیگمان حکم کرد که‌ممکن همچو راپوری راهم درمورد وی همانها داده باشند؛ زیرا بدبختانه جاسوسی هم یکی ازحکمت های قدرت گرفتن درجوامع عقب مانده است. اما جان موضوع درین است که چگونه میتوان بهٔ‌اساس یك راپور استخباراتی، مانند حکم محکمه‌استناد کرد و آنرا مدار حل و فصل قضایا قرار داد؟ چنین است منطق مستبدان وطنی!

بسیاری از استادان باوجدانراکه‌تن‌به تملق آنان نداده اند بهمچوبهانه ها واستنادهای پوچ ومیان تهی (پشت نخود سیاه) روان کرده اند.

از پرچم ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان آرزومیکنم تاصدای مردم وطنپرست این‌ولایت را بالا کند واعتراض‌شدید ماارا بخاطر افشا کردن اختناق وخودسری معارف ولایت‌بلخ بگردانندگان گردونهٔ مبارزات کنونی برسانند.»

دزدان چراغ بدست

ښاغلی «ع، ا، ا» نوشته‌اند:

«رادیو افغانستان باستناد اظهارات رئیس گمرکات وزارت مالیه بروز۱۷ دلوخبری را نشر کرد که (۱۵۰۰) عراده موتر هنوز بدون تادیهٔ محصول درافغانستان موجوداست، باوجودیکه دولت آماده شده است محصول این عراده هارا باقساط ازمالکان آن تحصیل کند، ولی معالوصف یك تعداد قلیل مالکان این موترها یك قسط را تادیه کرده و یکعده هم جدیداً فورمهٔ گرفته‌ولی به پرداخت محصول حاضر نشده اند و عدهٔ کثیر شان اصلاً تا کنون به وزارت مالیه مراجعه نکرده اند.

برای اینکه اندازهٔ این باقیات فهمیده شود، چنین می اندیشیم که اگر محصول گمرك، حق‌الانحصار ومصارف ترافیکی فی عراده حد متوسط بالغ به چهل هزار افغانی شود، باقیات مجموعی دولت ازین مدرك بالغ به شصت ملیون افغانی خواهد شد.

باید آقایان موترداران به‌خاطر بسپارند، درکشوریکه دهقانان بی‌بضاعت آن حتی از خوراکهٔ اولاد خود چندین نوع مالیه میدهند، شرم آور است که‌موتر سواران حتی از اسباب تفاخر وتجمل خود محصول ندهند.

مایهٔ تعجب اینست درحالیکه دستگاه دولت در مورد تحصیل مالیات ومحصول از طبقات مولد خاصتاً دهقانان هیچ فرو گذاشتی روانمیدارد. دربرابر این دزدان چراغ بدست و تعلیم یافته چرا اغماض میکند؟

همینکه زمان‌کوتاهی‌از موعد معین مالیه‌زمین میگذرد محصلان، پولیسان وژاندارم حکومت در قریه‌ها پراگنده می شوند، علاوه بر رویهٔ خشن واخذ (محصلی) و(مرغ یرغه)، انواع مالیات ارضی را از دسترنج قلیل ایشان تحصیل می‌کنند ودرین باره هیچگونه اعتنایی به‌معذرتها، ناتوانیها و شکایات قانونی دهقانان نمی شود. یعنی دولت میتواند از توده های وسیع دهقانان با وجود ناتوانی ایشان مالیات خودرا تحصیل کند ولی از عدهٔ معدود یخن سپیدان صاحب امتیاز قادر نیست حقوق خود را تحصیل نماید.

بهمان اندازه که دولت واداره در تحصیل از طبقهٔ دهقان کم زمین بی‌عاطفه ودلیر است، به تناسب معکوس آن در برابر طبقات بالایی جامعه، که خود نمایندهٔ آن می باشد با عاطفه ومحجوب است، بهمین سبب در مورد ایشان شیوهٔ مهربانی را در پیش میگیرد وباسترحام و گله گزاری اکتفا میکند.

به‌عقیدهٔ من اگر دولت نظر بخصلت طبقاتی خود حامی موتر سواران نباشد، باید اینان را که از مالیات دولت گریخته‌اند و حقوق ملت را دزدیده اند بحیث مجرمین تعقیب، گرفتار و مجازات کند و نامها و هویت‌های ایشانرا برای عبرت آن دیگرانیکه در آستانهٔ همچو اختلاس ها قرار گرفته‌اند، درجراید نشر کند.»

متعلمات ښوونځی متوسطهٔ نسوان خان آباد از رستوران جوار مکتب شکایت دارند و خطر سقوط تعمیر مکتب را پیشبینی میکنند

یك عده از متعلمات متوسطهٔ نسوان خان آباد به ما نوشته‌اند:

«ما چندین بار بمقامات صلاحیتدار، از وضع تعمیر فرتوت وکهنهٔ مکتب شکایت کردیم، ولی کسی بعرض ما گوش نداد.

باید متذکر شد که اتاقهای این مکتب خطر انهدام وفروافتادن را در پیش رو داشته وامکان دارد قربانیانی بجامعه تقدیم کند.

گرچه ما فکر نمیکنیم که‌این یادداشت بتواند اولیای امور را متوجه مسئولیت شان بسازد، ولی صرف بخاطر اینکه مردم بدانند که این مقامات تا کجا بحیات ومسایل حیاتی مردم علاقه دارند، این کاغذ را نوشتیم.

موضوع دوم قابل تذکر اینست که یکی ازمتنفذین محلی در پیرامون ښوونځی ما یك رستوران بوجود آورده واین رستوران، اکنون پایگاه یکعده عناصر لاوبالی گردیده است. این گروه اکثر باعث مزاحمت متعلمات ومصدر حرکات نا شایسته وخلاف اخلاق می شوند.

اگر مقامات صلاحیتدار نمیتوانند نظر به فقدان وسایل وپول یکبار تعمیر مکتب بپردازند حداقل‌شر رستوران راکه میتوانند ازسرما کم کنند. شاید اینکار وسایل وپولی را هم ضرورت نداشته باشد.»

غفوری اسم فامیلی ماست

وچهل سال قدمت دارد !

درشمارهٔ ۴۷ مورخ ۲۱دلو ۱۳۴۷ «پرچم» ضمن مقالهٔ پیرامون منع (!) نشر آثار ازبکی و ترکمنی، درپای یکی از استعلامیه ها امضایی به‌نام ښاغلی انجنیر عبدالقادر «غفوری» دیده شد.

از جریدهٔ محترم پرچم تقاضا می-کنیم تاسطور ذیررا به‌غرض آگاهی ښاغلی انجنیر عبدالقادر «غفوری» نشر کند.

«غفوری» تخلص فامیلی خاندان ماست و تحت همین تخلص آثار منظوم برادر بزرگم عبدالصبور «غفوری» از مدت ۴۰ سال باینطرف درمطبوعات کشور منعکس شده است، اینجانب نیز به‌همین تخلص آثار منثور و منظوم در مطبوعات وطن نوشته‌ام.

ازینرو از جناب محترم انجنیر عبدالقادر خواهش میکنیم تا مطابق با تعامل مطبوعات کشور از تخلص «غفوری» که سبب التباس بین ما و ایشان میشود منصرف شوند وبه اعتبار سابقه و شهرت به‌همین تخلص آنرا برای ما بگذارند. بااحترام

عبدالرحیم «غفوری» وفامیل «غفوری»

از(ص‌اول)

مملکت مایك کشور...

سالم، گذشت‌وایثار می‌خواهد. هرگاه مانند سابق همه چیزدرداخل چوکات تنگ منافع طبقاتی اقلیت محدود، ولی حاکم برسرنوشت کشور مطالعه‌شود وحفظ منافع این اقلیت و **توازن قوا** اساس کار ومعیار همه فضایل باشد، حرف زدن از ترقی وپیشرفت کشور (ولو باحسن نیت‌هم‌باشد) جز **حرف** مفهوم دیگری نخواهد داشت.

اگرواقعاً طوریکه ښاغلی صدراعظم می گوید شرایط وایجابات زمان چیزهای نورا اقتضاء میکند، آیاامکان دارد که چیز های نورا باشیوه کهن بدست آورد؟ آیابدون آوردن یك تحول بنیادی امکانات همگام شدن باشرایط وایجابات زمان معاصر وجود دارد؟ ابداً. باوسایل، شیوه ها واندیشه های کهن قرون وسطائی ممکن‌نیست به ایجابات وشرایط زمان جدیدجواب مثبت تهیه کرد.

(بقیه ص ۴)

از کنفرانس صلح پاریس...

وتشکیل کابینه صلح را که بتواند کنفرانس پاریس را به نتایج مثبت نهائی برساند، تقاضا کردند.

درعین حال روز قبل ازآغاز کنفرانس امریکائیها بقول اشوئتدپرس سه بار بیشتر از روز های گذشته، به بهانه اینکه مواضع پارتیزانها را کشف کرده اند، در مناطق مختلف، منازل مردم بی‌دفاع ویتنام جنوبی را بمباران کردند.

امریکائیان با وجود اعلان آتش بس بمناسبت آغاز سال نو ویتنامی (۳۰) بار از مقررات آتش بس تخلف ورزیدند. طیارات (ب ۵۲) امریکا منطقه آزاد شده را بمباران نمودند ودرچندین برخورد که بین عساکر امریکائی وپارتیزانها رخ داد (۲۰۰) عسکر امریکائی کشته شد.

پرچم
دامتیاز خاوند اومسؤول مدیر : سلیمان لایق
دیوی ګڼی بیه : ۵۰ر۲ - افغانی
مطبعه دولتی